



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به جای حرف آخر

بی آمدهای سیاسی - فرهنگی حماسه ۱۵ خرداد

۲- پالایش نهضت از ...

با سرکوب خشن نهضت، در ۱۵ خرداد ۴۲، در صفوف هواداران نهضت اسلامی، پالایشی طبیعی پیش آمد که در آن، زنگارها و ناخالصیهای بسیاری تصفیه شد؛ ناخالصیهایی که اگر به جای می ماند، ارزیابی تأثیرهای خطرناکش در منحرف ساختن انقلاب، اگر نگوئیم ناشدنی، دست کم باید گفت که بسیار دشوار می بود.

بسا شخصیت‌های برجسته که در نگاه ساده اندیشان، شانه به شانه رهبر نهضت می سایدند؛ و در برخورد با نخستین موج صفیر گلوله‌های رژیم، راه خود را از راه نهضت جدا کردند. در این میان کسانی صادقانه تر تغییر موضع دادند و به حضور در قلمروی فراخور، بسنده کردند؛ و کسانی دیگر، ریاکارانه کوشیدند که، خدا و خرما، هیچ يك را وانهند و همزمان، سری در توبره و سری در آخور داشته باشند!

۱۵ خرداد، مدعیان رهبری را - چه در میان مراجع دینی و چه مراجع سیاسی - بوته آزمونی از آتش و خون فراهم ساخت که تنها «خلیل» می توانست بی مهابا در آن، اندر شود و سرافراز بیرون آید. از این پس، رهبری و مرجعیت، مفهومی دیگر یافت، که دیانت و سیاست، جدا از یکدیگر، چندان خریداری نداشت!

چنین است که پس از ۱۵ خرداد، حضرت امام قدس سره، بی‌چون و چرا رهبری انقلاب را عهده‌دار شد؛ و نیروهایی به جاذبه‌اش دل سپردند که از بلا و عاقبت، برداشتی دیگر داشتند و زندان و شکنجه و... در راه خدا را «هلاکت» نمی‌پنداشتند.

پیش از این، هرکس و هرگروه، با گرایشی در صفوف نهضت حضور یافته بود؛ و بسا کسان که چنین می‌پنداشتند که نهضت نیز، دکه و دکانی است که در استحمار نوین می‌توان از آن سود جست...

این نکته، به ویژه در نقد شخصیت‌های انقلابی معیاری کار آمد است که با نادیده گرفتن آن، بسا سست عنصرانی که خود را چونان پیشتانان انقلاب مطرح سازند که گویی از همان روزهای نخست در میدان بوده‌اند و... درحالی که پیشتان انقلاب کسی است که با آگاهی، انقلاب را آغوش بگشاید؛ و چنین کسان، هرگز در نشیب و فراز راه، موضع دیگر نکنند؛ و از گام نهادن در این راه تا پیروزی، تردید و سازش و ترس را تسلیم نشوند.

چنین بود که ۱۵ خرداد، دست غیبی بود که به سینه نامحرم‌ان خورد و سایه آیه‌های شیطانی و رهبران و اقطاب ناصالح را از سر نهضت اسلامی و مردم پاکدل و پاک‌باخته اسلام‌خواه، کم کرد.

برتر همان، که حرمت قلم را پاس دارم و بی‌پرده‌تر از این نویسم؛ با تکیه بر این باور که با نیش قلم روزنه‌هایی فراروی ژرف‌اندیشان گشوده‌ام که آزاد اندیشان را به میدان‌هایی باز و آزاد، راه‌گشاست که ره‌آورد اسفارشان نیز نیازهای مهمی از بخش رجال بنیاد تاریخ... را پاس‌سخگو!

رتال جامع علوم انسانی